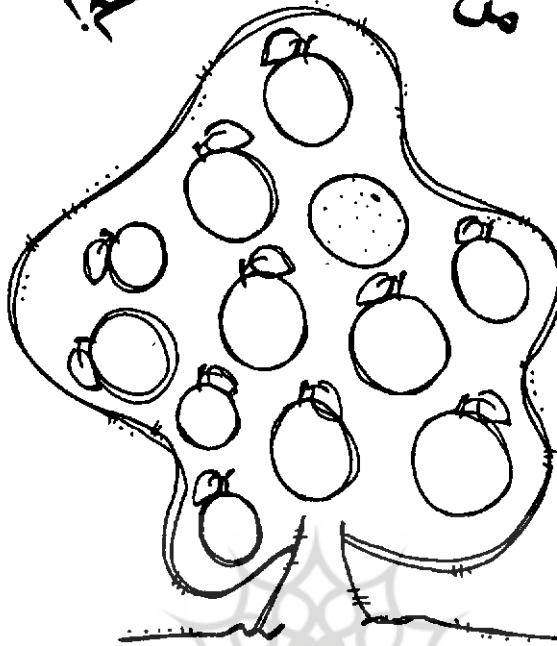


# من «دیگری» هستم!



بازتاب موضوع اقلیت‌های نژادی در ادبیات کودک آلمان<sup>(۱)</sup>

کلاوس دودرر (Klaus Doderer)

مترجم: بهار اشراق

«دیگری»، برای شوک وارد کردن یا ترساندن عامه مردم استفاده کنند. بنابراین، نوع واکنش نویسندگان نسبت به این بن‌مایه، می‌تواند بسیار متفاوت باشد و بعضی‌ها اصولاً چنین چیزی را نادیده بگیرند و بعضی نیز آن را محور کارشان قرار دهند.

ادبیات کودک در تاریخ خود تا به امروز، همواره در برابر تغییرات در چارچوب روابط اجتماعی، واکنش فوری نشان داده است. ادبیات کودک مضمون را تغییر می‌دهد، کاراکترها را عوض می‌کند، دکور صحنه را تغییر می‌دهد، همواره به شیوه‌های گوناگون، «دیگری» را تعریف می‌کند و

چه تفاوت ظاهری و رفتاری افراد و یا ویژگی‌های کلی گروه‌های اجتماعی را در نظر بگیریم و چه این تفاوت‌ها را نادیده بینگاریم، درون‌مایه «دیگری»، بدون شک در ادبیات کودک، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این موضوع، نه تنها روی شخصیت‌پردازی و پی‌رنگ‌ماجرها در افسانه، حکایت و قصه پریان تأثیر نیرومندی دارد، بلکه در متون واقع‌گرا و مدرن هم دیده می‌شود.

نویسندگان ممکن است از ادبیات بیگانه بهره بگیرند تا موجب شگفتی و حیرت خوانندگان جوان خود شوند. هم‌چنین، بعید نیست از بن‌مایه

## جایگاه نویسندگان آلمانی

برای روشن کردن این مطلب که چگونه اقلیت‌های نژادی در داستان‌های نویسندگان آلمانی مطرح می‌شوند، ابتدا مایلم به دو داستان کوتاه، یکی نوشته گودرون پاوزوانگ (Gudrun Pausewang) و دیگری داستان پیت هارتلینگ (Peter Härtling) نگاه دقیق تری بیندازیم.

در سال‌های اخیر، گودرون پاوزوانگ (۱۹۲۸)، برای نوشتن مطالبی در زمینه صلح و نیز پیامدهای مصیبت باریک جنگ هسته‌ای، مورد توجه بسیار

## ● چه تفاوت ظاهری و رفتاری افراد و یا ویژگی‌های کلی گروه‌های اجتماعی را در نظر بگیریم و چه این تفاوت‌ها را نادیده بینگاریم، درون مایه «دیگری»، بدون شک در ادبیات کودک، از اهمیت به سزایی برخوردار است

قرار گرفته و آثارش، موجب بحث و مجادله قابل توجهی در محافل ادبی شده است. در سال ۱۹۸۸، جایزه کتاب کودک Deutscher jugend litiratur preis به خانم پاوزوانگ تعلق گرفت. عنوان یکی از کتاب‌های نخستین وی، «از آن پس امیلیو آمد» (Und dann kommt Emilio) است. داستان، پی‌رنگ ساده و بی‌پیرایه‌ای دارد. داستان یک کارگزار اسپانیایی (Gostarbeiter) را روایت می‌کند که به پسری آلمانی کمک می‌کند و آن پسر آلمانی، در ازای کمک او، او را به شهرهای اطراف آلمان می‌برد تا آن‌جا زندگی کند. این دو در پایان داستان، با صلح و صفا در کنار هم

یا دست کم ظواهر و جایگاه و مرتبه خود را از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، در ادبیات کودکِ اواخر قرن هجدهم، کودکان گوناگون را از طبقه‌های پایین اجتماع انتخاب می‌کردند تا از آن‌ها به عنوان چهره‌های بیگانه ادبیات روشنگری استفاده کنند.

همان‌طور که از اسناد و مدارک پژوهشی پیداست، در ادبیات کودک پیش از جنگ جهانی اول، ایدئولوژی نظامی و تنش‌های موجود میان آلمان و فرانسه، از طریق بن‌مایه «دیگری» مطرح شد. برای مثال، معلولان جنگی به عنوان بی‌پناهان مفلوک، فرانسوی‌ها، بیگانه و دشمن و مردم مستعمره‌نشین، وحشی، بی‌تمدن و خطرناک محسوب می‌شدند. با گفتن این مسئله، روی موضوع مقاله دقیق‌تر می‌شویم.

در دهه‌های اخیر، کتاب‌های منتشر شده در آلمان (غربی)، نسبت به تغییرات مربوط به جمعیت‌نگاری، میلیون‌ها کارگر خارجی که به کشور آلمان یا گذاشتند، سبلی از پناهندگان، ورود بسیاری از افراد فراری که اصلیت‌شان به آلمان بازمی‌گشت و معمولاً از کشورهایی چون لهستان و شوروی سابق بودند، به شدت واکنش نشان داد. اکنون آگاهی بیشتری نسبت به قانون نازی (نازیسم) وجود دارد. تحت این قانون، در زمان حکومت نازی‌ها در آلمان، با گروه‌های اقلیت و پناهندگان اجتماعی بدرفتاری می‌شد و آن‌ها را زندانی و سرانجام به طرز وحشیانه‌ای قتل‌عام می‌کردند.

البته مقاله حاضر، بخشی کوچک از بحث مفصل تری است که به برداشت درون‌مایه ادبی از «دیگری» یا بیگانه می‌پردازد و نکاتی که در پی می‌آید، فقط بعد کوچک و مهمی از آن را مطرح می‌کند: ما درباره اقلیت‌های نژادی و شرایط زندگی‌شان، به گونه‌ای که در ادبیات کودک آلمان به تصویر کشیده شده است، پژوهش می‌کنیم.

زندگی می‌کنند.

می‌دهد که اقلیت خاص هم یک انسان مفید و همکار است. پاوزوانگ در آخر داستان، راه‌حل مناسب و بی‌دردسری در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در مورد قصه دیگر (نوشته هارتلینگ)، با وجود تمایل و کشش خانواده آلمانی برای پذیرش پسر (زردپوست) که نقطه عطف داستان است، سرانجام، آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که با یکدیگر تفاوت دارند. در عوض، کودک ویتنامی دائم رویاهایی می‌بیند که در آن‌ها احساس گم‌شدگی می‌کند و نمی‌داند واقعاً به کجا تعلق دارد. این بیانگر نوعی جدایی است که طبعاً پایانی خوش به حساب نمی‌آید.

در این پژوهش، تا جای ممکن کوشیده‌ایم تمام کتاب‌های کودک را در آلمان که اخیراً به چاپ رسیده‌اند و مضمون‌شان در مورد مشکلات و مسائل اقلیت‌های نژادی است، بررسی کنیم. تعداد این کتاب‌ها، چیزی بیشتر از صد عنوان است. این کتاب‌ها با الگوی راه‌حل - تعارض که در داستان پاوزوانگ دیده می‌شود (Und dann kommt Emilio) و یا با الگوی داستان هارتلینگ (Der gelbe Junge) تطبیق می‌کند.

برای مثال، الگوی راه‌حل بی‌دردسر، در آثار اورسولا وُلفِل (Ursula wölfel) و اورسولا کیرچبرگ (Ursula Kirchberg) دیده می‌شود. پیام داستان‌های‌شان این‌گونه است:

اگر زمانی را با خارجی‌ان سپری کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها هم مثل ما انسانند.

برای لحظه‌ای مجموعه آثار وُلفِل «مزرعه‌های سبز و خاکستری» (Die grauen und die grünen) را در نظر بگیرید که کتاب ارزشمندی در تاریخ ادبیات کودکان آلمان و بیانگر نقطه عطفی در رئالیسم انتقادی اجتماعی است. در یکی از

نویسنده داستان دیگر، پیت هارتلینگ (متولد ۱۹۳۲)، رمان نویس و شاعر که از سال ۱۹۷۰ شروع به نوشتن قصه و داستان برای کودکان کرد، دارنده جایزه کتاب کودک آلمان است. او در داستان کوتاه خود با نام «پسر زرد» (Der gelbe Junge)، ما را با کودک ویتنامی یتیمی آشنا می‌سازد که پیش یک خانواده آلمانی زندگی می‌کند. این پسر در حالی که در محیط کشور آلمان بزرگ می‌شود و کمک شایانی به او می‌شود، بایستی بر موانع بسیاری غلبه کند. سرانجام، با آن‌که در آلمان بزرگ می‌شود، هنوز تا حدی خود را با آن محیط، بیگانه احساس می‌کند و خود را بومی آلمان نمی‌داند.

مضمون هر دو داستان، درباره «خارجی‌های مقیم آلمان» است. این داستان‌ها بیانگر مشکلات مردم آلمان و کسانی است که پیش‌زمینه فرهنگی و رنگ پوست متفاوتی دارند، اما در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

بنابراین، گرچه پاوزوانگ و هارتلینگ، داستان‌هایی را روایت می‌کنند که بر محور تجارب شخصی استوار است، اما این تجربه‌ها از همان عضویت افراد در گروه اقلیت نشأت می‌گیرد. به این ترتیب، می‌توان آنها را به عنوان نمونه در نظر گرفت. تفاوت میان دو قصه، از رویکرد و نگرش متفاوت آن‌ها نسبت به مسئله «دیگری» سرچشمه می‌گیرد. این ادعا در تفاوت‌های موجود در بسط و گسترش پی‌رنگ داستان و فراتر از آن، در شیوه نتیجه‌گیری هر دو داستان، براساس شواهد اثبات می‌شود.

در مورد داستان اول (پاوزوانگ)، دشواری‌های نخستین جای خود را به سازگاری رو به افزایش، از بین رفتن تدریجی فاصله و تشخیص این‌مورد

داستان‌های این مجموعه، با نام «کودکان دیگر» (Die anderen Kinder)، کودکان آلمانی، ترکی و کولی با یکدیگر دوست می‌شوند. اما تعصب والدین، بر دوستی آن‌ها غلبه می‌کند و ما شاهد نوعی نتیجه‌گیری موزون و هماهنگ در پایان داستان هستیم و یا در کتاب تصویری «سلیم و سوزان»، نوشته اورسولا کیرچبرگ (که در حال حاضر در مدارس آلمان تدریس می‌شود)، یک کودک آلمانی در طول تعطیلاتش در ایتالیا، همان مسائلی را تجربه می‌کند که برای پسر بچه‌ای ترک، در کتاب "Selim in Hamburg" اتفاق می‌افتد. این موارد بسیار به نمایش‌نامه‌ای با نام "Ein Festfü papadakis" که اجرای آن توسط "GRIPS"، شرکت تأثیر برلین، به کرات برای کودکان صورت می‌گرفت، مرتبط است. در این نمایش‌نامه، درک و اتحاد، دوطرفه، به نزاع میان گروه آلمانی و یونانی، در اردوگاه توریستی پایان می‌دهد.

در تمام این موارد، نیت نویسندگان برای ایجاد سازگاری و هماهنگی میان عناصر داستان آشکار است. این نویسندگان، آموزگاران میل و اراده‌ای متعالی هستند و ما آشکارا دیدگاه‌های انتقادی، اجتماعی و آزادمنشانه رایج در دهه ۷۰ را در آثارشان حس می‌کنیم. آثار آن‌ها تجلی‌گاه جنبش دانش‌آموزی (Studenten bewegung) است؛ درست زمانی که در کتاب‌های کودک نیز تغییر و تحولی اجتماعی و دموکراسی بیشتری طنین‌انداز شد.

این نویسندگان سعی داشتند به خوانندگان‌شان بیاموزند، آگاه‌شان کنند و به آن‌ها نشان دهند که مردم ملت‌ها به یکدیگر تعلق دارند و اتحاد و همبستگی بین آن‌ها محال نیست. از دید این

نویسندگان، کلید حل مشکلات اجتماعی نیز چیزی جز این نیست.

اما پیام داستان پیترو هارتلینگ، در مورد آن پسر ویتنامی، از این دست نیست؛ زیرا این نکته را که آیا وحدت و همزیستی صلح‌آمیز، به راحتی قابل دسترسی است، بدون جواب می‌گذارد. این پسر بچه آسیایی مهربان، ممکن است عاشق والدینی باشد که سرپرستی او را به عهده گرفته‌اند، اما شب، رویای چیزهایی را می‌بیند که دائم ذهن او را به خود مشغول کرده است. در واقع، آخرین سطور داستان این‌گونه است:

«شب‌ها هنوز خواب می‌دید که گروهی کودک سفیدپوست، او را دنبال می‌کنند و او به زمین می‌افتد و منتظر می‌شود تا او را اذیت کنند و به او بخندند. پسر زردپوست! او حتی مطمئن نبود که این کاپوس‌ها، حتی وقتی به وطن خودش بازگردد یا بتواند چیزی در سرزمینی که اهل آن‌جاست یا در مورد والدین حقیقی خود به خاطر بیاورد، پایان می‌پذیرد یا نه؟»

هارتلینگ (مثل نویسندگان دیگر) می‌پذیرد که نمی‌توان به طور کل تفاوت «دیگری» را نادیده گرفت و اغلب تفاوت‌های لاینحل میان ما وجود دارد که باقی می‌ماند تا ما را از یکدیگر جدا نگاه دارد. به هر حال، هارتلینگ می‌کوشد این مطلب را منتقل کند که سوبه ارزشمند و مفید زندگی، از تلاش و کوشش برای ساختن پل روی فاصله‌ای که ما را از یکدیگر جدا می‌کند، باز نمی‌ماند.

اکنون رمان نوجوان کلاوس کوردون، با نام Zugvogel oder irgendwo im Norden را بررسی می‌کنیم. این رمان، داستان پسری است که والدینش کارگران خارجی‌اند و در آلمان زندگی می‌کنند. این پسر بچه خود را گرفتار دو فرهنگ می‌بیند. او فریب می‌خورد (در برابر جذابیت‌ها

جایگاه سازگار و هماهنگ و موشکافانه نویسندگان آلمانی را نمی‌توان برای طبقه‌بندی افکار و نیات این نویسندگان به کار برد. در عوض، آن‌ها در تار سردرگمی و تزلزل گرفتار می‌آیند و برای خواننده، عمق تنهایی و ناامیدی را آشکار می‌سازند که ناچار بایستی آن‌را تحمل کنند. در کتاب دیگری، گزیده‌ای از متون مختصرتر که اغلب توسط نویسندگان خارجی نوشته شده است، این شعر را می‌یابیم:

این منم

دنیال من آمدند

من آمدم

آن‌ها مرا به بیگانه‌ای تبدیل کردند.

می‌بینیم که این مفهوم کلی، کاملاً با آنچه در متون آلمانی بیان شده، متفاوت است. نویسنده خارجی اظهار تأسف می‌کند، اما هم‌چنان دیگران را متهم می‌سازد.

نویسندگان گروه اقلیت، خلاف نویسندگان آلمانی، دلیلی ندارند همراه با خوانندگان جوان کتاب‌های‌شان، یک برنامه اخلاقی را دنبال کنند و یا به خاطر نگرش بشردوستانه، مستقیم یا غیرمستقیم، روی مخاطبان‌شان تأثیر بگذارند؛ زیرا آن‌ها بیانگر صدای افرادی‌اند که در گروه اقلیت هستند؛ صدای قربانیان.

در این‌جا مایلیم به نویسنده‌ای که به کارش علاقه خاصی دارم، اشاره کنم. این نویسنده که بسیار هم مورد تشویق قرار گرفته، نویسنده‌ای اهل سوریه است که البته سال‌ها در کشور آلمان ساکن بوده است. او رافیک اسکامی (Rafik Schami)، نویسنده خبره و باهوشی است که در زمینه داستان‌های پریان مدرن مشرق زمین می‌نویسد. او در داستانش با نام «در ابتدا خانه بود» (Am

تسلیم می‌شود) و نزاع‌های داخلی را تحمل می‌کند؛ گرچه خواننده هرگز به پیامد آن پی نمی‌برد. او داستانی دیگر هم دارد که از زبان یک فرد اهل شیلی، به نام آنتونیو اسکارمتا (Antonio Skarmeta) روایت می‌شود که سال‌های زیادی را در برلین، در تبعید گذرانده است. این رمان با عنوان «قابلی ندارد» (Nix Passiert)، داستانی است پرکشش که برخوردها و نزاع‌های وحشیانه میان نوجوانانی را بیان می‌کند که دیدگاه‌ها، آیین‌ها و عقاید سیاسی متضاد و متفاوتی دارند. در انتهای کتاب، خواننده بر سر این‌که آیا داستان واقعاً پایان خوشی دارد یا نه، دچار تردید می‌شود. هر دو جایگاه - دوست دارم اولی را رئالیسم شناختی خوش‌بینانه و دومی را رئالیسم روان‌شناختی ناباورانه توصیف کنم - کمابیش و به طور آشکار، در ادبیات کودک آلمان بار دیگر ارائه می‌شوند.

### جایگاه نویسندگان اقلیت

علی‌رغم برداشت دلسوزانه از زندگی و مشکلات اقلیت‌های نژادی در کتاب‌های کودک آلمان، محال است بتوان از قلم انداخت که تمام متونی که بدان‌ها پرداختیم، به استثنای کتاب اسکارمتا، آثار نویسندگان آلمانی است. البته در سال‌های اخیر، نویسندگان قابل-توجهی از بین اقلیت‌های نژادی ساکن در آلمان، پا پیش گذاشته‌اند. متون آن‌ها اغلب مستند و حتی با محتوای شرح‌حال‌گونه است. یک نمونه آن، کتاب «به کجا تعلق داریم؟» (Wogehören?) است. در این داستان، دو دختر ترک از احساس‌های متزلزل خود نسبت به روابط خانوادگی سنتی ترک‌ها و کشور میزبان، آلمان، می‌گویند.

است تفاوت میان گروه‌ها را پذیرفت و آن را تحمل کرد یا خوب است که راه‌های غلبه بر آن را یافت و گروه‌ها را با هم درآمیخت؟

گرچه گودرُن پاوزوانگ و پیتر هارتلینگ، تقریباً به شکل متفاوتی به این سؤال پاسخ می‌دهند، نگرش آن‌ها، همان‌طور که در متون‌شان پیداست، خیرخواهانه و آموزنده است. پیامی که در آثار همگی آن‌ها وجود دارد، از این قرار است: به کسانی که با ما تفاوت دارند، احترام بگذارید. این پیام، در عین حال که آرمان‌گرایانه و بشردوستانه است، گاهی ایده‌ای خام و ساده به نظر می‌رسد.

در مقایسه با آن، آثار نویسندگان اقلیت، بیشتر در زمینه‌های مستند و اتوبیوگرافی است و تقریباً همیشه لحن خشن‌تری دارد. داستان‌های ایشان در مورد اتهامات است؛ مثل داستان‌های رافیک اسکامی.

در عین حال، نمی‌توانیم این مطلب را از قلم بیندازیم که این نویسندگان، پیام‌هایی را که دارای بار اتهام یا نیت خیرخواهانه است، به جامعه‌ای منتقل می‌کنند که معمولاً به آن‌ها توجهی نمی‌کند. البته تفاوتی وجود دارد؛ این‌جا پای واکنشی در میان است که نسبت به تأثیر ادبیات کودک وجود دارد. آثاری که در این‌جا مطرح شد، اغلب در تیراژهای پایین منتشر می‌شوند. در کشوری که حدود یک‌دهم شهروندانش [Bürger] عضو گروه اقلیت‌های نژادی هستند، خشونت نسبت به افراد بیگانه (یا خارجیان) نیز فراوان و گسترده است.

پی‌نوشت

۱. منبع: Book Bird

Anfang warder Außen thalt) از الگوی مستند و واقع‌گرا استفاده نکرده تا شیوه رفتار با اقلیت‌های نژادی در آلمان را نشان دهد. برعکس، موقعیتی خیالی ایجاد می‌کند که در آن، عیسی مسیح، در هیأت یک مهاجر امروزی که در پی پناهندگی سیاسی است، ظاهر می‌شود.

نویسنده در حالی که وارد سنت‌دیرین پرداختن به داستان عیسی مسیح می‌شود که شامل بالزاک و داستایفسکی است، قهرمان داستان‌ش را با نام مسیحا (Mschiha)، به تار و پود یک دولت کوتاه‌بین و نیز بوروکراسی کلیسا می‌کشاند.

این جاست که به تدریج، قهرمان داستان، به «علی» تغییر نام می‌دهد؛ نامی که همکار آلمانی‌اش آن را به کار می‌برد. قهرمان اسکامی در روندی نمادین، تقوای خود را از دست می‌دهد تا این‌که عاقبت: «آن‌جا می‌نشیند [در مقابل خانه اسقف] و به شدت و مدت طولانی می‌گریزد.»

مسیحا در طول این فرهنگ‌زدایی، به «عرب دیوانه‌ای» تبدیل می‌شود. خوانندگان داستان باشکوه اسکامی، به صورت کم‌رنگی درک می‌کنند که این عیسی مسیح خانواده دوست (اهل خانه و زندگی)، هنوز نشانی از هویت شرقی و اصلی خود را دارد و اکنون به دنیای تخیلاتش تنزل مقام داده است. این جاست که واژه «بیگانگی و خارجی بودن» اشاعه داده می‌شود.

به این ترتیب، اکنون می‌توان جایگاه مشکلات و مسائل اقلیت‌های نژادی را که در کتاب‌های کودک معاصر نویسندگان آلمانی منعکس شده است، روشن ساخت. سؤالی که برای این نویسندگان مطرح می‌شود، این است: آیا بهتر